

اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل

دکتر حسن فلاح احمدجالی بایلی*

چکیده:

در این تحقیق که با روش کتابخانه‌ای به انجام رسید، ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف در زمینه‌ی اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی به بیان ادله‌ی موافقین و مخالفین اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نقل پرداخته و در نهایت با استناد به صراحت آیه‌ی شریفه‌ی قرآنی و روایات متواتر و متواتر وارده از معصومین (علیهم السلام) و سیره‌ی عملی آن بزرگواران و اجماع فقهای امامیه، وجوب عقلی و شرعی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها (حداقل در بخشی از جرایم سنگین) را ثابت نموده و در ضمن آثار و فواید مثبت اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر عقل و نیز ضرورت رعایت اعتدال در این زمینه مورد تبیین و تأیید قرار گرفت.

کلید واژه‌ها: حدود و مجازات‌ها، اجرای علنی، عقل و نقل، وجوب عقلی و شرعی

پیش درآمد:

شکی نیست که قوام و دوام جامعه به «نظم» و «امنیت» و «عدالت» وابسته بوده و دستیابی به اهداف سه‌گانه‌ی مذکور بدون وضع قوانین که بیانگر حقوق و تکالیف افراد جامعه است، عملی نخواهد بود و «قوانین جزایی» که بخشی از قوانین هر کشور را تشکیل می‌دهد، پشتوانه و ضمانت اجرای صحیح قوانین به شمارآمده و درمورد مجرمان و قانون شکنان و برهم زندگان نظم و امنیت و عدالت به اجرا در می‌آید. بدیهی است که مکتب اسلام نیز همچون هر مکتب حقوقی دیگر دارای قوانین خاص و ویژه‌ی خود بوده و بر خلاف قوانین ساخته‌ی فکر بشر، دارای منشأ الهی است و رأفت و رحمت و عطف در کنار عدالت چون روحی در کالبد تمامی قوانین جزایی اسلام ساری و جاری است.

قوانین جزایی اسلام در چهاربخش «حدود» و «قصاص» و «دیات» و «تعزیرات» خلاصه می‌شود. حال سؤال این است که آیا قوانین جزایی اسلام باید به صورت علنی به اجرا درآید یا اینکه به منظور حفظ حرمت مجرمان می‌بایست در خفاء و به دور از انظار عمومی به مرحله اجرا درآید؟ عده‌ای با در نظر گرفتن گسترش رو به تزاید جرم و جنایت در جامعه و علنی شدن فحشا و منکرات در کشور در مقطع کنونی که با خط دهی و دخالت آشکار و پنهان استکبار جهانی و در راستای شیخون فرهنگی غرب صورت می‌پذیرد و نیز به استناد دلایل عقلی و نقلی و جوب شرعی و عقلی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها را معتقد بوده و بر آشکارسازی حدود و مجازات‌ها اصرار دارند و در مقابل این نظر، نظر کسانی است که اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را بر خلاف مصالح ملی و جهانی و حتی دینی تشخیص داده و شدیداً به مخالفت با آن پرداخته‌اند و عده‌ای دیگر نیز راه اعتدال را در پیش گرفته و اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را فقط در جرائم بزرگ و سنگین که امنیت ملی و مذهبی را شدیداً به مخاطره می‌اندازد، تجویز می‌کنند.

خلاصه اینکه طرفداران هر یک از دیدگاه‌های سه‌گانه مذکور برای اثبات دیدگاه خویش دلایلی را دست و پا می‌کنند. هرچند که با کمال تأسف گاهی نیز برخی در تعقیب اهداف سیاسی و جناحی خویش، موضوع اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را از بحث علمی و حقوقی خارج ساخته و آن را به یک سوزهی سیاسی و حتی جناحی مبدل نموده و به تصفیه حساب‌های سیاسی خویش می‌پردازند و با دامن زدن به جوسازی‌های مطبوعاتی و سیاسی تشخیص حقیقت را

به لحاظ اینکه در پشت ابرهای تیره و تار جوسازی های مطبوعاتی و سیاسی مخفی مانده است، برای دیگران غیر ممکن می‌نمایند.

نگارنده در این نوشتار درصدد است تا موضوع اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را از منظر عقل و نقل، و به دور از تعلقات سیاسی و فریفتگی جوسازی‌های مطبوعاتی و جناحی که در شأن مباحث علمی و حقوقی نیست، مورد بحث قرار داده و ضمن برشمردن آثار و فواید ارزشمند اجرای علنی حدود و مجازات‌ها، وجوب شرعی و عقلی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها (حداقل در بخشی از جرائم سنگین و با رعایت اعتدال) را ثابت نماید.

ادله‌ی مخالفین اجرای علنی حدود و مجازات‌ها:

قبل از اینکه ادله‌ی مخالفین اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را بر شماریم، باید بگوییم که در میان فقهاء امامیه کسی نیست که به طور کلی مخالف اجرای علنی حدود باشد، لذا بهتر آن است که ادله‌ی مطروحه این قسمت را به عنوان دلایلی که می‌توان برای مخالفت با اجرای علنی حدود و مجازات‌ها دست و پا کرد، مطرح نمود. مجموعه دلایلی که در این زمینه مطرح می‌شود را می‌توان در دو دلیل کلی خلاصه نمود که عبارتند از:

۱- اصل عدم جواز: بدین بیان وقتی که در جواز و یا عدم جواز علنی ساختن اجرای حدود و مجازات‌ها شک داشته باشیم، اصل عدم جواز آن است مگر اینکه دلیلی بر اثبات جواز وجود داشته باشد.

بدیهی است که به لحاظ وجود دلائل متعدد از آیات و روایات و اجماع فقهاء و عقل در مورد جواز علنی ساختن اجرای برخی از حدود و مجازات‌ها نمیتوان به اصل عدم جواز استناد نمود. هر چند که همان طور که بعداً به آن اشاره می‌کنیم باید به قدر متین اکتفا نمود.

۲- بازتاب‌های منفی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها: بازتاب‌های منفی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها را می‌توان در اموری چند خلاصه نمود که عبارتند از:

الف: ارائه‌ی چهره‌ای خشن از اسلام به جهانیان

ب: متهم شدن کشورهای اسلامی به نقض حقوق بشر

ج: جریحه دار شدن قلوب مردم با مشاهده اعدام و یا مجازات سنگین مجرمان

۵: ایجاد انزجار عمومی در مردم و تحریک افکار عمومی علیه نظام نوپای اسلامی ایران

در توضیح امور مذکوره‌ی فوق می گویند:

از آنجایی که انقلاب و حکومت اسلامی ایران نوپاست، اجرای علنی حدود و مجازات‌ها در جامعه‌ی اسلامی ایران و یا حتی دیگر کشورهای اسلامی، اسلام و ایران را در دید جهانیان خشن جلوه داده و مستمسکی خواهد بود تا جهانیان به ویژه سازمان دفاع از حقوق بشر، ایران را به نقض حقوق بشر متهم و محکوم کنند و دین اسلام را دین خشونت معرفی نمایند و کشورهای دیگر نیز روابط سیاسی و دیپلماسی خویش را با این کشورهای اسلامی قطع کنند و در داخل نیز زمینه را برای تحقق یک انزجار درونی مهیا نموده و توده مردم را علیه اصل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برانگیزانند. با این بیان اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی در این مقطع زمانی مخالف مصالح ملی و جهانی و حتی دینی بوده و هرگز به مصلحت نمی‌باشد!!

در ردّ این استدلال باید بگوییم که:

اولاً: اجرای علنی حدود و مجازات‌ها حداقل در بخشی از جرائم سنگین در طول تاریخ و در تمامی کشورها به عنوان یک سنت پایدار در آمده است و این خود گویای معقول و منطقی بودن آن است.

ثانیاً: با توجه به صراحت آیات و روایات و سیره قطعی معصومین و دلائل عقلی یقین‌آور که همگی بر اجرای علنی حدود و مجازات‌ها دلالت تام و تمام دارند، نمی‌توان در مقابل این همه نصوص، اجتهاد کرد و خوشایندی و ناخوشایندی بعضی‌ها را نیز بهانه‌ی این توجیه قرار داد.

ثالثاً: ملاک قرار دادن خوشایندی و ناخوشایندی جهانیان به ویژه دولت‌های استکباری و برخی از مدعیان دروغین حقوق بشر در مورد اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی تفکری غلط و اندیشه‌ای نابجا و تزی بسیار خطرناک است؛ چون اگر ما به لحاظ اینکه آن‌ها اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را ناخوش می‌دارند، از دیدگاهشان پیروی کنیم، چه تضمینی وجود دارد که آن‌ها در آینده‌ای نه چندان دور اجرای اصل حدود و مجازات‌های اسلامی را هر چند که بسیار مخفیانه و به دور از انظار عمومی به اجراء در آید، زیر سؤال نبرند؟ و به راستی آیا مخالفت با اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی به استقبال دشمنان رفتن و دادن چراغ سبز به ایادی قدرت‌های استکباری در فتح سنگریه سنگرازش‌های دینی و قوانین اسلامی نیست؟



به دیگر سخن: آیا چنین نیست که دولت‌های استکباری از یک سو فحشاء و منکرات و جرم و جنایات را به طرق مختلف در ایران اسلامی ترویج می‌کنند و از سویی دیگر با جوسازیهای داخلی و خارجی و به راه انداختن جنگ‌های روانی و با استفاده از هجمه‌های ناجوانمردانه و همه جانبه خبری در صدد تعطیل نمودن اجرای اصل حدود و مجازات‌های اسلامی بر آمده‌اند؟

آیا عقب نشینی مسلمانان در خصوص اجرای قوانین مترقی اسلام در زمینه حدود و مجازات‌های اسلامی به آنجا نمی‌انجامد که پس از مدتی (به اصطلاح) نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان. بدیهی است که آنها از کلیت دین و نظام اسلامی نگرانند؛ نه از خصوص برخی از حقوق و قوانین دینی.

رابعاً: اینکه گفته می‌شود در داخل کشور نیز انزجاری عمومی نسبت به دین پیدا می‌شود و دین در افکار عمومی خشن جلوه می‌کند حرف درستی نیست چون شادمانی و حضور گسترده مردم در زمان اعدام و یا مجازات‌های علنی برخی از مجرمان خطرناک خودگویای آنست که اجرای علنی حدود و مجازات‌ها در جرائم سنگین باعث احساس امنیت اجتماعی بوده و اقتدار نظام را به نمایش می‌گذارد و مردم را نسبت به اجرای عدالت و برخورد قاطع نظام با مجرمان خطرناک امیدوارتر می‌سازد.

خامساً: نگارنده را اعتقاد بر آنست که: اگر روزنامه‌ها و مجلات و یا اشخاصی که فعلاً با پرداختن به سوژه‌هایی که دشمن آنها در بوق کرده است، با استفاده از تیترهای ریز و درشت روزنامه‌ها و مجلات و تریبون‌های عمومی و خصوصی در صدد القاء این نکته‌اند که اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی بازتاب‌های منفی خواهد داشت، به جای پرداختن به این القائات غلط، به تبیین علمی و حقوقی، و فواید اجتماعی و آثار مثبت اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی می‌پرداختند آیا باز هم اجرای علنی حدود و مجازات‌ها بازتاب‌های منفی می‌داشت؟؟

به عبارت دیگر، بسیاری از بازتاب‌های منفی احتمالی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها، برآمده از جوسازیهاست، نه برآمده از علنی ساختن اجرای حدود و مجازات‌ها.

واقعیت آنست که برخی از شخصیت‌ها و روزنامه‌ها و مجلات با انتخاب تیترهای ریز و درشت و تحریک کننده علیه اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی، آفریننده‌ی بازتاب‌های منفی می‌باشند. بدیهی است که در پیش گرفتن چنین شیوه‌ای دشمنان خارجی را در تداوم تهاجم فرهنگی تشویق، و مجرمان و قانون شکنان داخلی را در ارتکاب جرم و جنایت و قانون شکنی



گستاخ تر می نماید.

به راستی! جای بسی تعجب و شگفتی است که برخی از شخصیت‌ها و خودی‌ها علنی بودن فسق و فجور در جامعه را که روز به روز رو به تزاید است و نگرانی نه فقط قاطبه‌ی مؤمنان و متدینان، بلکه توده‌ی مردم را در پی داشته و دارد، بر می‌تابند و دم در نمی‌دهند و فریادی بر نمی‌کشند، اما از شنیدن خبر اجرای علنی برخی از حدود و مجازات‌های اسلامی که در برخی موارد جزء دستورات صریح دینی است، می‌خروشدند و آنچنان فریاد می‌زنند که گویا تمامی مشکلات اجتماعی مردم را حل نموده و فقط این باقی مانده است که باید به رفع آن پردازند. مگر نه آن است که براساس فرموده‌ی پیامبر(ص) اجرای یک حدّ از بارش چهل شبانه روز باران رحمت پر ثمرتر است؟؟ (حرّ عاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸).

آری باید به خود آییم تا بیگانه را خود، و خود را بیگانه نپنداریم، در غیر این صورت بدون اینکه بخواهیم و بدانیم در چنگ دشمن گرفتار آمده و با دست خود موجبات تباهی خود و ملتمان را فراهم می‌آوریم. این است که باید از خود پرسیم به کجا می‌رویم؟ و به کجا ایمان می‌برند؟؟!!

سادساً: درست که اجرای گسترده‌ی حدود و مجازات‌های اسلامی در مرئی و منظر عموم آنهم در هر کوی و برزن و برای هر یک از جرائم بزرگ و کوچک انزجار عمومی را در پی داشته و چهره‌ی خشنی از دین را به نمایش می‌گذارد، لکن رعایت اعتدال در اجرای علنی حدود و مجازات‌ها و محدودسازی آن به جرائم سنگین می‌تواند از شکل‌گیری ذهنیت منفی فوق پیشگیری نماید و از آثار منفی احتمالی آن بکاهد.

ادله‌ی موافقین اجرای علنی حدود و مجازات‌ها:

دلایل موافقین اجرای علنی حدود و مجازات‌ها را می‌توان در چهار دلیل زیر خلاصه کرد:

- ۱- ادله‌ی عقلی
- ۲- آیه‌ی شریفه‌ی قرآن
- ۳- روایات وارده از معصومین (علیهم السلام)
- ۴- اجماع فقهای امامیه

در ادامه‌ی این نوشتار به شرح هر یک از ادله‌ی چهارگانه‌ی فوق می‌پردازیم:



۱- ادله‌ی عقلی:

اجرای علنی حدود و مجازات‌ها در جرائم سنگین از منظر عقل دارای آثار و فواید بی‌شماری است که برخی از آنها عبارتند از:

الف: اجرای علنی حدود و مجازات‌ها در جرائم سنگین به عنوان سنت پایدار اجتماعی

ب: افزایش سطح احساس امنیت اجتماعی و روانی در مردم

ج: عبرت‌پذیری دارندگان زمینه‌های ارتکاب جرم و جنایت

د: به نمایش گذاشتن اقتدار نظام

ه: مرهم نهادن بر قلوب جریحه‌دار مردم

و: پیشگیری از تبانی‌های احتمالی در اجرای حدود و مجازات‌ها

حال به توضیح هر یک از موارد مذکوره‌ی فوق می‌پردازیم:

الف: سنت پایدار اجتماعی:

همانطور که در قسمت پیشین اشاره شد، اجرای علنی حدود و مجازات‌ها - حداقل در بخشی از جرائم سنگین - در طول تاریخ و در تمامی کشورها - علیرغم اختلاف مرام‌ها و مکتب‌ها - به عنوان یک سنت پایدار معمول و مرسوم بوده است. این خود گویای آن است که این شیوه در اجرای مجازات‌های سنگین مورد پذیرش عقلاء عالم است.

ب: افزایش سطح احساس امنیت اجتماعی و روانی در مردم:

بسیاری از جرائم و جنایات، امنیت مردم را به مخاطره انداخته و رعب و وحشت را در میان مردم حکمفرما می‌کند. بدیهی است که اجرای علنی حدود و مجازات‌ها می‌تواند احساس امنیت برپا داشته را احیاء کند و آرامش روانی را برای مردم به ارمغان آورد، چرا که اجرای مخفیانه‌ی حدود و مجازات‌ها هرگز نمی‌تواند احساس امنیت برپادرفته را بازگرداند و سایه‌ی شوم رعب و وحشت را از دل‌های مردم بزدايد.

ج: عبرت‌پذیری دارندگان زمینه‌های ارتکاب جرم و جنایت:

شکی نیست که انگیزه‌ی قانونگذار در وضع قوانین جزایی، در مرحله‌ی اول «اصلاح فرد و



جامعه» و در مراحل بعدی «تنبیه مجرمان» و «عبرت پذیری دیگران» است. تحقق این اهداف بلند، به ویژه هدف سوم که «عبرت‌پذیری دیگران و دارندگان زمینه‌های جرم و جنایت» است، بدون اجرای علنی حدود و مجازات‌ها عملی و دست‌یافتنی نخواهد بود. چرا که در صورت اجرای مخفیانه‌ی حدود و مجازات‌های اسلامی، مردم جرم و جنایت و بازتاب‌های منفی آن را مشاهده می‌کنند، ولی مجازات مجرمان و جانیان را نمی‌بینند. به عبارت روشنتر: جرم و جنایت علنی، ولی مجازات‌ها مخفی است که این خود گستاخی مجرمان و تجرّی دارندگان زمینه‌های جرم و جنایت را به دنبال خواهد داشت.

د: به نمایش گذاشتن اقتدار نظام:

حکومت زمانی می‌تواند در نیل به اهداف و تحقق فلسفه‌ی وجودی خویش موفق باشد که از اقتدار لازم و همه‌جانبه برخوردار باشد و مردم به ویژه قانون شکنان و دارندگان زمینه‌های جرم و جنایت اقتدار لازم را در نظام و حکومت با لعیان مشاهده کنند. بدیهی است که اجرای علنی مجازات مرتکبین جرائم سنگین و جنایات وحشتناک از مصادیق بارز اقتدار نظام محسوب شده و نشانگر قاطعیت دولتمردان در اجرای قوانین و برخورد مقتدرانه با جنایتکاران می‌باشد.

ه: مرهم نهادن بر قلوب جریحه دار مردم:

به طور حتم و یقین می‌توان گفت که اجرای علنی حدود و مجازات‌ها بهترین مرهم بر قلوب جریحه‌دار مردم بوده و التیام بخش جراحات عمیقی است که در اثر جرم و جنایت در قلوب مردم پدید آمده است و برای مردم لذت بخش خواهد بود. به راستی اگر مردم لذت احساس امنیت ناشی از اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی را می‌چشیدند، آیا باز هم افکار عمومی که از فطرت سالمی برخوردارند، به مخالفت با اجرای علنی حدود و مجازات‌ها برمی‌خاستند؟؟

و: پیشگیری از تبانی‌های احتمالی در اجرای حدود و مجازات‌ها:

اجرای علنی حدود و مجازات‌ها خود تضمینی برای اجرای صحیح قوانین بوده و راه هرگونه مسامحه کاری در اجرای قوانین جزایی را سد می‌کند؛ چون در غیر این صورت، گاهی ممکن است مأمورین اجرای احکام با تنظیم صورتجلسات واهی حدود اجرا نشده را اجرا شده گزارش دهند و



محکوم را با لطایف الحیل از چنگ قانون برهانند و با این عمل جرم و جنایت دیگری را بر جرائم ارتكابی اصلی و اولی بیافزایند و اجرای احکام را که در حقیقت فلسفه‌ی وجودی تشکیل دستگاه‌های عریض و طویل قضایی و انتظامی است، با خطرات جدی مواجه سازند و اعتماد مردم به دستگاه‌های قضایی و انتظامی را از آنان سلب کنند.

۲- آیه‌ی شریفه‌ی قرآن:

اجرای علنی حدود و مجازات‌ها از منظر قرآن

در آیه‌ی ۲ سوره‌ی مبارکه‌ی نور می‌خوانیم: «الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة و لاتأخذکم بهما رأفة فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر و لیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین؛ یعنی باید شما مؤمنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره‌ی آنها در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند». بدین بیان که حدّ زنا در حضور جمعی از مؤمنان اجرا شود تا از آن عمل بیزار و متنفر شوند. جالب است که بدانیم:

اولاً: در این آیه‌ی شریفه از اقامه‌ی حدود الهی به دین خداوند تعبیر شده است که این خود بیانگر آن است که قوام و دوام دین الهی در جامعه به اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی وابسته می‌باشد.

ثانیاً: اعمال رأفت و عسوفت بیجا و غیر منطبق با موازین اسلامی در حق بدکاران، بی‌ایمانی به خدا و روز قیامت محسوب گشته و با روحیه‌ی ایمانی مؤمنان و متدینان در تضاد است.

ثالثاً: با آوردن واژه‌ی «ولیشهد» که صیغه‌ی امر است و صیغه‌ی امر بنا بر نظر اکثر علماء اصول ظهور در وجوب دارد، اجرای علنی حدّ در مرئی و منظر مردم را حداقل در بخشی از حدود واجب و لازم دانسته است.

رابعاً: هر چند که از این آیه‌ی شریفه، مشروعیت اجرای علنی حدود اسلامی در تمامی موارد قابل اثبات نمی‌باشد، ولی از این آیه مشروعیت اجرای علنی حدود اسلامی - حداقل در بخشی از حدود الهی - را به اثبات رسانده و ماهیت برخی از حدود دیگر از قبیل حدّ رجم - سنگسار شدن - نیز بدون حضور جمعی از مردم عملی نخواهد بود؛ لذا است که در ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی در مورد کیفیت اجرای حدّ زنا صریحاً آمده است که: «مناسب است حاکم شرع مردم را از



زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند، در حال اجرای حد حضور یابند». (تراوی، ۱۳۷۵، ۳۵).

و مضمون ماده ۹۹ همین قانون نیز بر علنی بودن اجرای حدّ رجم دلالت صریح دارد در آنجا که می‌گوید: «هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است، با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم اول حاکم شرع سنگ می‌زند بعداً دیگران، و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد هنگام رجم اول شهود سنگ می‌زنند بعداً حاکم و سپس دیگران» (همان) که این ماده قانونی مشروعیت و حتی ضرورت حضور مردم در زمان اجرای حدّ رجم را به خوبی به اثبات می‌رساند.

مرحوم ملّا فتح‌الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین در ذیل تفسیر آیه ی ۲ سوره ی مبارکه ی نور در بیان فلسفه دعوت از مردم جهت حضور در مراسم اجرای حدّ می‌فرماید: «باید که حاضر شوند در وقت عذاب زانی و زانیه یعنی در زمان اقامه‌ی حدّ برایشان گروهی از مؤمنان تا (زناکاران) تشهیر یابند به این عمل شنیع و فضیح، و این تفضیح مانع معاودت ایشان شود بر مثل آن عمل و ردع [و منع] حاضران نماید به آن؛ و قید مؤمنین به جهت آن است که تا اقامه‌ی حدّ مانع کفار نشود از اسلام آوردن و یا به جهت آن است که ظهور فسق فاسقان میان صلحا افضح است و لهذا مکروه است اقامه ی حدّ در ارض عدو...» (کاشانی، بی‌تا، ج ۶، ۲۶۸).

هم ایشان در ادامه پس از بیان اختلاف نظر فقهاء و مفسران درباره‌ی واژه «طائفه» می‌فرماید: «نزد بعضی مراد عددی محصور نیست، بلکه مراد به رأی امام است. چه غرض از آن اذاعه (اشاعه) حدّ است برای حصول اعتبار. و در کشاف آورده که طائفه فرقه‌ای است که ممکن باشد که حلقه شوند به گرد چیزی و طوف آن نمایند کالجماعه الحافه حول الشی و این از صفات غالبه است» (همان، ۲۶۷).

امام خمینی در تحریر الوسیله می‌فرماید: «شایسته است که وقتی حاکم می‌خواهد حدّ را جاری نماید موضوع را به مردم اعلام نماید تا مردم در زمان اجراء حدّ مجتمع شوند. بلکه شایسته است که مردم را به خارج شدن برای حضور در مراسم اجرای حدّ دستور دهد و امر نماید. حضور طایفه‌ای از مؤمنین سه نفر یا بیشتر احوط می‌باشد...» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ۴۶۶).

مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی در کتاب تفضیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله در شرح فتاوی امام خمینی (ره) بیان مفصلی دارد که به نقل قسمت‌هایی از آن می‌پردازیم: «از این مسأله استحباب دو موضوع به دست می‌آید. یکی از آن دو، آن است که حاکم در زمان اجراء حد موضوع

را به اطلاع مردم برساند و به آنان اعلام کند تا مردم در مراسم اجرای حد حضور یابند.

دوم آن است که حاکم مردم را برای خروج از منازل برای حضور در مراسم اجراء حدّ امر کند و انجام این کار از سوی امام علی (ع) در موارد متعدد هر چند که بر وجوب آن دلالت نداشته باشد، بر استحباب آن دلالت دارد... مسأله سوّمی که از فتوای امام خمینی به دست می‌آید، آن است که امام حضور طائفه‌ای از مؤمنین را در متن از باب احتیاط لزومی می‌دانستند، در حالی که آنچه که از علّامه حلّی و جماعتی دیگر از علماء از جمله محقق(قده) در نافع به دست می‌آید، وجوب است. و شیخ و جماعتی از جمله محقق در شرایع استحباب را مطرح نموده و بلکه از مبسوط و خلاف، نفی خلاف در این زمینه نقل شده است... آشکار است که ظاهر آیه‌ی شریفه وجوب است چون امر ظهور در وجوب دارد و ادعاً شده است که مراد شیخ از نفی خلاف به همین وجوب انصراف دارد... به عبارت دیگر مراد شیخ از واژه‌ی «یستحب» استحباب در مقابل وجوب نیست، بلکه رجحان در مقابل ترک است. چون ایشان به این آیه‌ی شریفه استناد نموده و بدیهی است که برداشت استحباب در مقابل وجوب از صیغه امر «ولیشهد» چندان صحیح به نظر نمی‌رسد... (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۶، ۱۸۶-۱۸۷).

قابل ذکر است که مستحب بودن اعلام عمومی و نیز مستحب بودن دستور دادن امام یا حاکم به عموم مردم برای خروج از منازل جهت حضور در مراسم اجرای حدّ منافاتی با وجوب حضور طایفه‌ای از مؤمنین سه نفر یا بیشتر ندارد به عبارت دیگر هر چند که اعلام عمومی و صدور دستور مستحب است، لکن حضور طایفه‌ای از مردم در مراسم اجرای حدّ واجب است.

۳- روایات وارده از معصومین (علیهم السلام) :

یک نگاه اجمالی به روایات بسیار زیاد و حتی متواتری که درباره کیفیت اجرای حدّ زنا وارد شده است، به خوبی ثابت می‌کند که سیره‌ی عملی پیامبر(صلی الله علیه و آله) و سیره عملی علی - علیه السلام - بر اجرای علنی حداقل بخشی از حدود از جمله حدّ زنا تعلق گرفته است تا جایی که آن دو بزرگوار قبل از اجرای حدّ منادی را دستور می‌فرمودند تا در میان مردم ندا در دهند و مردم را از زمان و مکان اجرای حد آگاه سازند که در این قسمت با نقل چند روایت این بحث را به پایان می‌بریم :

۱- مرحوم کلینی در کتاب فروع کافی نقل می‌فرماید که: «ان امرأه اقرت عند امیر المؤمنین

(ع) بالزنا اربع مرآت فامر قنبر فنادی فی الناس فاجتمعوا او... یعنی زنی در نزد علی(ع) چهار مرتبه

به زنای خویش اقرار کرد و حضرت، قنبر را دستور فرمود تا در میان مردم ندا دهد او نیز در میان مردم ندا در داد و مردم برای اجرای حدّ مجتمع شدند...» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ۳۴۱- کلینی، ۱۳۶۲، ج ۷، ۱۸۶).

۲- زراره نیز از امام باقر(ع) نقل نمود که «اتی امیرالمومنین(ع) برجل قد اقرّ علی نفسه بالفجور فقال امیرالمومنین(ع) لاصحابه: اغدوا غدا متمثلین فقال لهم من فعل مثل فعله فلا یرجمه و لینصرف، قال: فانصرف بعضهم و بقى بعضهم فرجمه من بقى منهم» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ۲۴۲ - کلینی، ۱۳۶۲، ج ۷، ۱۸۸).

۳- جالب است که امام صادق (ع) نیز فرموده است که «ان رجلا جاء الی عیسی بن مریم (ع) فقال یا روح الله انی زینت فطهرنی فامر عیسی(ع) ان ینادی فی الناس ان لا یتقی احد الاخرج لتطهیر فلان...» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ۳۴۳).

۴- در روایات آمده است که وقتی که علی (ع) سراقه همدانیه را برای اجرای حدّ به بیرون شهر برده‌اند، ازدحام جمعیت به حدّی بود که نزدیک بود عده‌ای زیر دست و پای یکدیگر کشته شوند، این بود که امام به ناچار عده‌ای را از محل بیرون نموده و حدّ را با حضور عده‌ای دیگر به مرحله اجراء درآورده و آنگاه راه را باز نموده تا مردم جنازه‌ی وی را نظاره کنند. «خرج امیرالمؤمنین(ع) بسراقه الهمدانیه فکاد الناس یقتل بعضهم بعضاً من الزحام فلما رأى ذلك امر بردها حتی اذا خفت الزحمة...» (همان، ۳۷۵).

۵- جریان معروف حدّ زنا بر ما عز در زمان رسول خدا (ص) به امر آن حضرت و توسط مردم نیز مشروعیت اجرای علنی حداقل بخشی از حدود اسلامی در مرثی و منظر مردم را به اثبات می‌رساند: «ذلک ان ما عز اقر عند رسول الله (ص) بالزنا فامر به ان یرجم فهرب من الحفرة فرماه الزبیر بن العوام بساق بعیر فعقله فسقط فلقحه الناس فقتلوه ثم اخبروا رسول الله (ص) بذلك فقال لهم فهلاً ترکتموه...» (همان، ۷۶ - کلینی، ۱۳۶۲، ۱۸۵).

۶- از دهها روایتی که در مورد کیفیت اجرای حدّ رجم وارد شده و در آنها آمده است که در رجم اول امام رجم می‌کند و سپس مردم، مشروعیت اجرای علنی حداقل بخشی از حدود در حضور مردم استفاده می‌شود، از جمله: «عن ابی بصیر قال: قال ابو عبدالله (ع) تدفن المرأة الی وسطها اذا اردوا ان یرجموها و یرمی الامام ثم یرمی الناس» (همان، ۳۷۴ - همان، ۱۸۴).

۴- اجماع:

با توجه به صراحت آیه‌ی ۲ سوره نور، و توافر و تواتر روایات وارده از معصومین (علیهم السلام) و نیز ادله‌ی متعدد عقلی که بر ضرورت اجرای علنی (حداقل) بخشی از حدود و مجازات‌ها وجود دارد، در اصل موضوع اختلافی نبوده و همگان بر ضرورت آن اتفاق نظر دارند. همانطور که آیت الله فاضل لنکرانی در کتاب تفصیل الشریعه از مبسوط و خلاف شیخ طوسی عدم خلاف در زمینه‌ی وجوب حضور طائفه‌ای از مؤمنین در زمان اجرای حد را نقل نموده است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۶، ۱۸۶).

ضرورت رعایت اعتدال در اجرای علنی حدود و مجازات‌ها:

غرض از اجرای علنی حدود و مجازات‌های اسلامی این نیست که هر روز در هر کوچه و برزنی افرادی را دراز نموده و شلاق بزنند یا آنها را به چوبه‌ی دار بیاویزند و از این طریق رأفت و عطفوت اسلامی را که همچون روحی در کالبد قوانین جزایی اسلام دمیده شده است، زیر سؤال ببرند، بلکه هدف، اجرای علنی بخشی از حدود و مجازات‌ها در جرائم سنگین است که امنیت عمومی و ملی و دینی را به مخاطره انداخته و میرود که ازدیاد آن کشور را بر باد دهد؛ با این بیان، رعایت اعتدال در این زمینه پسندیده بوده و تشخیص این موضوع نیز با قاضی و یا دستگاه قضایی است.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که هر چند آیه و روایات استنادی همگی در مورد زنا بوده است، لکن با توجه به آثار عقلی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها شاید بتوان ادعا کرد که اجرای علنی حدود و مجازات‌ها در تمامی جرائم سنگین که به نحوی امنیت دینی و اجتماعی مردم را به مخاطره می‌اندازد، مشروع و مجاز و حتی ضروری نیز می‌باشد.

سوال دیگری که در اینجا مطرح است آن است که چه معیاری برای تفکیک جرایم سنگین از جرایم غیر سنگین وجود دارد که این بحث ویژه‌ای را می‌طلبد امید است در نوشتاری دیگر به طرح این سوال و پاسخ آن بپردازیم.

نتیجه گیری:

از مجموع آنچه که گذشت با استناد به چهار دلیل از کتاب، سنت، اجماع و عقل، وجوب عقلی و شرعی اجرای علنی حدود و مجازات‌ها در جرائم سنگین به اثبات رسید.



فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم با ترجمه الهی قمشهای.
- ۲- ترابی، احمد، (۱۳۷۵)، مجموعه قوانین کیفری، تهران، چاپ رجا.
- ۳- حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۱)، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، تهران، مکتب الاسلامیه.
- ۴- خمینی (امام) سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، انتشارات قدس محمدی.
- ۵- فاضل (لنکرانی) محمد، (۱۴۰۶)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم، چاپخانه علمیه.
- ۶- کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب، (۱۳۶۲)، الفروع من الکافی، ج ۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۷- کاشانی، ملّا فتح الله، (بی تا)، تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج ۳، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

